



## بیانات در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی امر و خانواده‌های آنان - 6 / فروردین / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

اولاً خداوند زیارت‌های شما را قبول کند ؛ و قبولی زیارت هم معنایش این است که آن فیضی که از ملاقات این ولیّ خدا به ملاقات‌کننده میرسد، آن فیض به شما برسد ؛ این معنای قبولی زیارت است. اگر بخواهید این فیض به شما برسد، شرط اول این است که با حضرت «ملاقات» کنید ؛ یعنی رفتن حرم و آمدن، صرف رفتن به یک مکان و بیرون آمدن نباشد ؛ آن‌جا یک موجودی و یک روح والایی حضور دارد ؛ به این حضور توجه بکنید ؛ ولو حالا شما آن شخص زیارت شده را - یعنی آن کسی که می‌خواهید با او ملاقات کنید- به چشم نمی‌بینید، لیکن «به چشم دیدن» که لازمه‌ی ملاقات نیست ؛ او هست و سخن شما را می‌شنود، حضور شما را می‌بیند، شخص شما را می‌بیند، با او حرف بزنید ؛ این شد زیارت. زیارت یعنی همین ملاقات. ما وقتی می‌آییم سراغ شما و خانه‌ی شما، [در واقع] آمده‌ایم به زیارت شما ؛ معنای زیارت این است. خب انسان وقتی به ملاقات کسی میرود، با او احوالپرسی میکند، به او سلام میکند ؛ همین، در ملاقات روح مطهر ائمه (علیهم‌السلام) و اولیاء الهی [هم] لازم است ؛ باید رفت، سلام کرد، عرض ادب کرد.

[زیارت] به هر زبانی هم میشود ؛ [اگر] به همین زبان معمولی خودمان - اگر فارسی، اگر ترکی، اگر گیلکی، هر چه هستیم- حرف بزنیم، این آداب ملاقات و زیارت صورت گرفته. البته اگر بخواهیم با یک بیان شیوا و با مضامین خوبی حرف بزنیم، آن همین زیارت‌هایی است که خود ائمه به ما یاد داده‌اند ؛ مثل زیارت امین‌الله - که در واقع عمده‌اش هم دعا است ؛ چند کلمه‌ی اولش زیارت است، بقیه‌اش دعا است- یا زیارت جامعه که بسیار زیارت پُر مضمون و پُر مطلبی است. اگر اینها را بخوانید و به معنایش توجه کنید و با حضرت با این بیان حرف بزنید، عیبی ندارد. مثل این است که می‌خواهید بروید دیدن یک بزرگی، یک جمعی هستید، بعد مثلاً یک متن زیبایی را یکی‌تان مینویسید، می‌روید آنجا، یکی‌تان از طرف بقیه این متن را می‌خواند ؛ این زیارت‌ها مثل همان متنی است که برای شما نوشته‌اند ؛ می‌گویند اگر این متن را خواندید، حرفی که باید به حضرت بزنید، زده‌اید ؛ این شد زیارت. حالا اگر معنایش را ندانستید و سخت‌تان بود - این زیر نویس‌های مفاتیح‌ها هم غالباً کامل نیست ؛ من نگاه کرده‌ام، اینهایی که همین حالا هم هست، انصافاً کار خوبی در این زمینه صورت نگرفته که یک زیر نویس درست حسابی‌ای باشد که آن معنا را برساند ؛ خیلی ناقص است- و این هم نشد و نخواستید، به زبان خودتان با حضرت حرف بزنید. این حرف زدن هم حتی اگر با لب تنها باشد، اشکال ندارد. گفت:

گوش کن با لبِ خاموش سخن می‌گویم  
پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست ( ۲ )

با دل حرف بزنید. البته طبعاً دل باید جمع باشد و مشغول به همین مخاطب باشد ؛ اگر به جاهای دیگر اشتغال پیدا کرد - سرگرم دُوروبر و آئینه‌کاری و بالا و پایین و این آمد و فلانی رفت و مانند اینها شد- دیگر دل وصل نمیشود. سعی کنید ولو دو دقیقه، ولو پنج دقیقه، دل را فارغ کنید از بقیه‌ی شاغلها و متصل کنید به معنویّتی که در آن‌جا حضور دارد و حرفتان را بزنید.

بعد که این حرف را با زبان خودتان یا با توجه به این متنی که دست شما است زدید - یعنی همین زیارت جامعه



مثلاً یا زیارت مخصوصه‌ی امام رضا یا زیارت امین‌الله؛ اینها مضامین خوبی دارد، ولو درست هم معنایش را نفهمید، [اما] یک مقدار هم از آن بخوانید؛ زیارت جامعه مثلاً شش هفت صفحه است، وقت کردید همه‌اش را بخوانید، وقت نکردید یک صفحه‌اش یا نصف صفحه‌اش را بخوانید؛ عیب ندارد؛ اما توجه داشته باشید که این یک متنی است که خیلی خوب تنظیم شده، زیبا تنظیم شده- و در حالی که متن را میخوانید، ولو معنایش را هم ندانید، متوجه باشید دارید خطاب به چه کسی میخوانید. اگر این شد، آن وقت میشود زیارت؛ زیارت کامل هم که شنفته‌اید، همینها است. البته کمال هم درجاتی دارد؛ بعضی‌ها هستند که از ما خیلی بالاترند؛ برای ماها همین زیارتی که گفتم، یک زیارت خوب است. اگر این جور سلام کردید و این جور زیارت کردید، آن وقت ان شاءالله امید اینکه قبول بشود خیلی زیاد است، یعنی فیض این زیارت به شما میرسد.

البته در حرم مطهر، چه داخل خود حرم، چه بیرون حرم در رواقها و صحنها، اگر بتوانید دل را وصل کنید، هر جا باشید، نزدیکی هست؛ هر جا باشید. بعضی‌ها خیال میکنند باید بروند حتماً به ضریح بچسبند! اینها چون دل‌هایشان وصل نمیشود، میخواهند جسمها را وصل کنند؛ چه فایده دارد؟ بعضی‌ها همان دم ضریح هستند و چسبیده‌اند به ضریح، اما دلشان اصلاً متصل به امام رضا نیست؛ یکی هم ممکن است دورتر باشد، اما دلش متصل باشد؛ این خوب است. اگر این جور زیارت کردید، این خوب است.

آن وقت در این حرم یا داخل رواق یا صحن مطهر، عبادت خدا هم -یعنی با خدا هم که حرف میزنید- ثوابش بیش از جاهای دیگر است. ثواب که میگویم یعنی همان فیضی که بر اثر ارتباط با ذات مقدس پروردگار به انسان میرسد؛ این همان ثواب است؛ یک فیضی انسان میبرد. ما انسانها مثل یک ظرف خالی هستیم؛ یک ظرف خالی باید پُر بشود. با چه آن را پُر خواهیم کرد؟ با فیض الهی، یعنی همان قطره قطره معنویت و روحانیت و نورانیت و مانند اینها که در این ظرف همین طور تدریجاً ریخته بشود. [البته] به شرطی که یکبار خالی اش نکنیم؛ [چون] گناه که بکنیم، همه‌ی این لطفهای الهی خالی میشود. بایستی این ظرف وجود را با تفضلات الهی پُر کرد. بنابراین در داخل حرم نماز بخوانید، نماز قضا بخوانید، نماز واجب بخوانید، نماز مستحبی بخوانید، نماز برای پدر و مادر بخوانید، ذکر بگویید -لااله الاالله بگویید، تسبیحات اربعه بگویید- [یعنی] نشسته باشید آن جا و ذکر بگویید؛ به شرطی که -شرط اصلی اش چیست؟ همان که اول گفتم- دل وصل باشد؛ اگر دل وصل نباشد، فایده‌ای ندارد. اگر دل متصل بود، کمترین عملی هم برای شما فایده میدهد. ان شاءالله خداوند توفیق به من و به همه‌ی شماها عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمةالله

(۱) در این دیدار -که در مشهد مقدس برگزار شد- جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی‌امر و خانواده‌های آنها حضور داشتند.

(۲) هوشنگ ابتهاج